

به نام خدا

یادگیری مشارکتی و فعال در کلاس های ابتدایی: رویکردی تلفیقی

مolfan :

نسرین رحیمی

رقیه جلیلی

سولماز جلیلی

لیلا حسنقلی پور

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۴)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

Chaponashr.ir

سرشناسه : رحیمی ، نسرین ، ۱۳۵۱
عنوان و نام پدیدآورندگان : یادگیری مشارکتی و فعال در کلاس های ابتدایی: رویکردی تلفیقی /
مولفان نسرین رحیمی ، رقیه جلیلی ، سولماز جلیلی ، لیلا حسنقلی پور
مشخصات نشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۴.
مشخصات ظاهری : ۱۰۷ ص.
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۱۱۷-۳۱۷-۴
شناسه افزوده : جلیلی ، رقیه ، ۱۳۶۰
شناسه افزوده : جلیلی ، سولماز ، ۱۳۵۹
شناسه افزوده : حسنقلی پور ، لیلا ، ۱۳۵۶
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
یادداشت : کتابنامه.
موضوع : یادگیری مشارکتی - کلاس های ابتدایی - رویکردی تلفیقی
رده بندی کنگره : TP ۹۸۳
رده بندی دیویی : ۵۵/۶۶۸
شماره کتابشناسی ملی : ۹۹۷۶۵۸۸
اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیپا

نام کتاب : یادگیری مشارکتی و فعال در کلاس های ابتدایی: رویکردی تلفیقی
مولفان : نسرین رحیمی - رقیه جلیلی - سولماز جلیلی - لیلا حسنقلی پور
ناشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد : پروانه مهاجر
تیراژ : ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ : اول - ۱۴۰۴
چاپ : زیرجد
قیمت : ۱۰۷۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان :
<https://:chaponashr.ir/ketabresan>
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۱۱۷-۳۱۷-۴
تلفن مرکز پخش : ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



فهرست

مقدمه	۵
فصل ۱: بنیادهای نظری یادگیری مشارکتی و فعال	۷
تعریف یادگیری فعال و مشارکتی	۱۲
مبانی روان‌شناختی یادگیری مشارکتی (ویگوتسکی، پیاژه و گاردنر).....	۱۵
اصول یادگیری تجربی و کنش‌محور	۱۷
تفاوت یادگیری فعال با تدریس سنتی	۱۹
مزایا و چالش‌های یادگیری مشارکتی در مدارس ابتدایی.....	۲۱
نقش معلم به‌عنوان تسهیل‌گر یادگیری.....	۲۲
فصل ۲: طراحی محیط یادگیری فعال و مشارکتی	۲۷
ویژگی‌های کلاس درس فعال و جذاب برای دانش‌آموزان ابتدایی	۳۲
ابزارها و فناوری‌های کمک‌کننده در یادگیری مشارکتی	۳۷
نحوه سازماندهی گروه‌های همکار در کلاس	۴۱
محیط فیزیکی و روانی مناسب برای فعالیت‌های مشارکتی	۴۳
طراحی فعالیت‌های فعال بر اساس سن و سطح توانایی دانش‌آموزان	۴۵
اصول ایمنی و مدیریت رفتار در محیط یادگیری فعال	۴۷
فصل ۳: روش‌ها و استراتژی‌های یادگیری مشارکتی	۵۱
یادگیری گروهی و نقش هر دانش‌آموز در گروه	۵۲
یادگیری مبتنی بر پروژه (PBL) و فعالیت‌های عملی	۵۴
یادگیری مبتنی بر حل مسئله	۵۶
یادگیری مبتنی بر بازی و فعالیت‌های تعاملی	۵۸

۶۱	روش‌های یادگیری تلفیقی (چند رویکردی)
۶۳	ارزیابی فرآیندی و بازخورد در یادگیری مشارکتی
۶۹	فصل ۴: مدیریت کلاس و تعاملات اجتماعی
۷۲	تقویت مهارت‌های ارتباطی و همکاری دانش‌آموزان
۷۶	مدیریت تعارض‌ها و حل مسئله در گروه‌ها
۷۷	ایجاد انگیزه و مشارکت فعال دانش‌آموزان
۷۹	نقش والدین و جامعه در حمایت از یادگیری مشارکتی
۸۱	فرهنگ کلاس درس و ارزش‌های مشارکتی
۸۳	فصل ۵: ارزیابی، توسعه و چشم‌انداز آینده
۸۷	سنجش یادگیری و پیشرفت دانش‌آموزان در فعالیتهای مشارکتی
۹۰	روش‌های انعطاف‌پذیر ارزیابی فردی و گروهی
۹۲	تحلیل داده‌ها و بازخورد برای بهبود تدریس
۹۴	مهارت‌های زندگی و یادگیری مادام‌العمر از طریق مشارکت
۹۶	ادغام فناوری‌های نوین در یادگیری فعال
۱۰۰	چشم‌انداز آینده یادگیری مشارکتی در آموزش ابتدایی
۱۰۲	نتیجه‌گیری
۱۰۵	منابع

مقدمه

در عصر معاصر، آموزش و پرورش با چالش‌های نوینی مواجه است که نیازمند بازنگری در روش‌های سنتی تدریس و رویکردهای کلاسیک آموزشی است. مدارس ابتدایی به عنوان نخستین تجربه رسمی یادگیری برای کودکان، نقش بسیار مهمی در شکل‌دهی به مهارت‌ها و نگرش‌های آنان دارند. در این دوران، کودکان تنها به کسب اطلاعات محدود نمی‌شوند، بلکه به شکل‌گیری مهارت‌های اجتماعی، تفکر انتقادی، خودتنظیمی و توانایی حل مسئله نیز نیازمندند. یادگیری مشارکتی و فعال به عنوان یکی از رویکردهای نوین، می‌تواند پاسخ مناسبی به این نیازها باشد. این رویکرد دانش‌آموزان را از حالت منفعل و دریافت‌کننده صرف محتوا خارج کرده و آنان را به عامل اصلی فرآیند یادگیری تبدیل می‌کند. در یادگیری مشارکتی، دانش‌آموزان با یکدیگر تعامل می‌کنند، تجارب خود را به اشتراک می‌گذارند، در گروه‌ها همکاری می‌کنند و از طریق فعالیت‌های عملی، مفاهیم را به شکل عمیق و پایدار یاد می‌گیرند. چنین رویکردی نه تنها در یادگیری مفاهیم علمی مؤثر است، بلکه مهارت‌های زندگی، ارتباطات بین فردی، مسئولیت‌پذیری و خودباوری را نیز تقویت می‌کند. تحقیقات روان‌شناختی نشان می‌دهند که کودکان در محیط‌های فعال و تعاملی، بهتر می‌توانند مفاهیم را درک کرده و آن‌ها را به شرایط واقعی زندگی خود پیوند دهند. ویگوتسکی با تأکید بر یادگیری اجتماعی، نشان داده است که تعامل میان همسالان و بزرگ‌ترها موجب توسعه مهارت‌های شناختی می‌شود و فرصت‌هایی برای رشد زون توسعه نزدیک فراهم می‌آورد.

از سوی دیگر، پیازه و نظریه رشد شناختی او بیان می‌کنند که کودکان از طریق تجربه و کنش مستقیم با محیط، مفاهیم را می‌آموزند و یادگیری فعال، بهترین زمینه را برای تحقق این نظریه فراهم می‌سازد. در این رویکرد، معلم نقش هدایت‌کننده و تسهیل‌گر را ایفا می‌کند و نه تنها انتقال دهنده محتواست، بلکه شرایط و منابع لازم برای یادگیری فعال و مشارکتی را فراهم می‌آورد. ایجاد محیط یادگیری جذاب، ایمن و انعطاف‌پذیر از الزامات اساسی موفقیت این رویکرد است. طراحی فعالیت‌های گروهی، پروژه‌های عملی، بازی‌های آموزشی و فعالیت‌های حل مسئله، ابزارهایی قدرتمند برای تقویت مشارکت دانش‌آموزان

محسوب می‌شوند. همچنین استفاده از فناوری‌های نوین و ابزارهای دیجیتال می‌تواند یادگیری را جذاب‌تر و تعاملی‌تر کند و امکان ارائه بازخورد فوری و ارزیابی مستمر را فراهم آورد. یادگیری مشارکتی و فعال نه تنها به کسب دانش کمک می‌کند، بلکه مهارت‌های تفکر انتقادی، خلاقیت و مهارت‌های اجتماعی را نیز پرورش می‌دهد.

دانش‌آموزان در گروه‌ها مسئولیت یادگیری یکدیگر را نیز بر عهده می‌گیرند و این امر حس همدلی، همکاری و اعتماد به نفس را تقویت می‌کند. با توجه به تحولات سریع جامعه و نیازهای متنوع نسل جدید، آموزش باید از یک فرآیند صرفاً انتقال اطلاعات به یک تجربه یادگیری چندبعدی و معنابخش تبدیل شود. مدارس ابتدایی باید مکانی باشند که کودکان در آن فرصت تجربه، کنجکاوی، تعامل و یادگیری فعال را داشته باشند. پژوهش‌های متعدد نشان داده‌اند که دانش‌آموزانی که در محیط‌های مشارکتی و فعال آموزش می‌بینند، نه تنها عملکرد تحصیلی بهتری دارند، بلکه مهارت‌های زندگی و توانایی مدیریت خود را نیز بهبود می‌بخشند. این مهارت‌ها شامل تصمیم‌گیری، حل مسئله، کار گروهی، مسئولیت‌پذیری و خودارزیابی است که در طول زندگی تحصیلی و شخصی آنان مؤثر خواهد بود. بنابراین، طراحی رویکردی تلفیقی که یادگیری مشارکتی و فعال را با توجه به نیازهای روان‌شناختی، اجتماعی و شناختی کودکان ادغام کند، ضرورت پیدا می‌کند.

چنین رویکردی می‌تواند پایه‌ای برای ایجاد کلاس‌هایی انعطاف‌پذیر، پویا و خلاق باشد که در آن دانش‌آموزان نه تنها اطلاعات را می‌آموزند، بلکه مهارت‌ها و نگرش‌های لازم برای زندگی آینده خود را نیز کسب می‌کنند. این کتاب با هدف ارائه چارچوبی علمی و عملی برای آموزش فعال و مشارکتی در کلاس‌های ابتدایی، تلاش می‌کند مفاهیم نظری، روش‌ها، ابزارها و نمونه‌های کاربردی را در یک نگاه تلفیقی ارائه دهد. با مطالعه این اثر، معلمان، پژوهشگران و مدیران آموزشی می‌توانند با استفاده از راهکارهای مبتنی بر شواهد و تجربه‌های عملی، فرآیند یادگیری دانش‌آموزان را به شکل مؤثرتری هدایت کرده و کلاس‌هایی پویا، تعاملی و مشارکتی ایجاد کنند. هدف از این کتاب نه تنها ارتقای یادگیری مفهومی، بلکه پرورش کودکان خلاق، مسئولیت‌پذیر و توانمند برای مواجهه با چالش‌های زندگی و تحصیل در دنیای پیچیده امروز است.

فصل ۱:

بنیادهای نظری یادگیری مشارکتی و فعال

یادگیری مشارکتی و فعال به عنوان یک رویکرد نوین آموزشی، از نظریه‌ها و مدل‌های مختلف روان‌شناختی و تربیتی الهام گرفته است و تلاش می‌کند فرایند یادگیری را از حالت انفعالی خارج کرده و دانش‌آموزان را به عامل اصلی یادگیری تبدیل کند. این رویکرد مبتنی بر این باور است که یادگیری مؤثر زمانی رخ می‌دهد که دانش‌آموزان به طور فعال در تجربه‌ها و تعاملات مشارکت داشته باشند و نه تنها اطلاعات را دریافت کنند بلکه آن‌ها را تحلیل، بازسازی و به کاربرد عملی برسانند. یکی از مبانی مهم یادگیری مشارکتی، نظریه یادگیری اجتماعی ویگوتسکی است که مفهوم زون توسعه نزدیک را معرفی کرده و بیان می‌کند که کودکان از طریق تعامل با همسالان و بزرگ‌ترها می‌توانند توانایی‌های شناختی خود را توسعه دهند. این نظریه نشان می‌دهد که یادگیری تنها نتیجه مواجهه مستقیم با محتوا نیست، بلکه در تعاملات اجتماعی و تبادل دانش و تجربه با دیگران شکل می‌گیرد. از سوی دیگر، نظریه رشد شناختی پیاژه نیز بر اهمیت فعالیت مستقیم کودک با محیط و تجربه‌های عملی تأکید می‌کند. پیاژه معتقد است که کودکان در فرآیند کشف و تجربه، مفاهیم را می‌آموزند و ساختارهای شناختی خود را توسعه می‌دهند. یادگیری فعال، زمینه مناسبی برای تحقق این نظریه فراهم می‌آورد،

زیرا دانش‌آموزان در فعالیتهای عملی و مشارکتی، مفاهیم را از طریق مشاهده، آزمایش و تحلیل تجربه می‌کنند و یادگیری عمیق‌تری را تجربه می‌نمایند. در کنار این، نظریه هوش چندگانه گاردنر نیز یادگیری مشارکتی را تقویت می‌کند، زیرا فعالیتهای گروهی و پروژه‌های مشارکتی، فرصتهای متنوعی برای بروز توانمندی‌های مختلف دانش‌آموزان فراهم می‌آورند. دانش‌آموزان می‌توانند استعدادهای زبانی، منطقی-ریاضی، موسیقایی، بدنی-جنبشی، میان‌فردی و درون‌فردی خود را در محیطی فعال و مشارکتی شکوفا کنند. یادگیری مشارکتی و فعال، از اصولی پیروی می‌کند که آن را از روش‌های سنتی تدریس

متمایز می‌سازد. از جمله این اصول می‌توان به تمرکز بر دانش‌آموز به عنوان محور یادگیری، تعامل مستمر میان همسالان، حل مسئله و انجام فعالیت‌های عملی اشاره کرد. در این رویکرد، معلم نقش راهنمای یادگیری را ایفا می‌کند و شرایط و منابع لازم برای کشف مفاهیم و توسعه مهارت‌ها را فراهم می‌آورد. یکی دیگر از مبانی مهم یادگیری مشارکتی، نظریه انگیزش شناختی است که نشان می‌دهد مشارکت فعال دانش‌آموزان و حس مالکیت آن‌ها نسبت به یادگیری، انگیزه داخلی آنان را افزایش می‌دهد.

وقتی دانش‌آموزان در تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌های یادگیری مشارکت داشته باشند، علاقه، کنجکاوی و تعهد آن‌ها به یادگیری بیشتر می‌شود و یادگیری پایدارتر خواهد بود. همچنین یادگیری مشارکتی و فعال با رویکردهای یادگیری مبتنی بر پروژه و حل مسئله همسو است. در این رویکردها، دانش‌آموزان در مواجهه با مسائل واقعی، اطلاعات را تحلیل می‌کنند، راه‌حل ارائه می‌دهند و نتیجه فعالیت خود را در گروه‌ها به اشتراک می‌گذارند. این تجربه‌ها باعث تقویت مهارت‌های تفکر انتقادی، خلاقیت و تصمیم‌گیری می‌شود و دانش‌آموزان را برای مواجهه با چالش‌های زندگی واقعی آماده می‌سازد. تحقیقاتی که در زمینه یادگیری مشارکتی انجام شده است، نشان می‌دهد که این رویکرد موجب افزایش اعتماد به نفس، توانایی همکاری، مهارت‌های ارتباطی و خودکنترلی در دانش‌آموزان می‌شود. دانش‌آموزان یاد می‌گیرند مسئولیت یادگیری خود و گروه خود را بپذیرند و مهارت‌های حل تعارض و تصمیم‌گیری گروهی را توسعه دهند. یادگیری فعال و مشارکتی همچنین فرصت‌های متنوعی برای بازخورد مستمر فراهم می‌آورد. بازخورد از سوی همسالان و معلم باعث می‌شود دانش‌آموزان عملکرد خود را تحلیل کنند، اشتباهات را اصلاح نمایند و توانایی‌های خود را بهبود بخشند. از دیگر اصول بنیادین این رویکرد می‌توان به توجه به تفاوت‌های فردی، ایجاد محیط یادگیری امن و حمایتگر، تشویق پرسشگری و خلاقیت، و فراهم کردن چالش‌های مناسب اشاره کرد. محیط یادگیری فعال باید دانش‌آموزان را ترغیب کند تا تجربه کنند، آزمایش کنند، اشتباه کنند و از آن‌ها یاد بگیرند. فعالیت‌های مشارکتی، مانند کار گروهی، بازی‌های آموزشی، فعالیت‌های عملی و پروژه‌های مشترک، ابزارهایی کلیدی برای تحقق اهداف این رویکرد محسوب می‌شوند.

این فعالیت‌ها دانش‌آموزان را به تعامل، تبادل نظر و همکاری دعوت می‌کنند و مهارت‌های اجتماعی و هیجانی آنان را تقویت می‌کنند. یادگیری مشارکتی و فعال به ویژه در دوره ابتدایی اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا در این سن، کودکان مهارت‌های پایه‌ای زندگی، مهارت‌های شناختی و اجتماعی را شکل می‌دهند. تاجیک، پ. (۱۴۰۰).

استفاده از فعالیت‌های عملی، بازی و پروژه‌های گروهی باعث می‌شود یادگیری برای آن‌ها جذاب، معنادار و پایدار شود. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که دانش‌آموزانی که در محیط‌های مشارکتی آموزش می‌بینند، عملکرد تحصیلی بالاتری دارند و مهارت‌های زندگی مانند مسئولیت‌پذیری، همکاری و تفکر انتقادی در آن‌ها بهتر توسعه می‌یابد. یادگیری مشارکتی و فعال همچنین با مفاهیم یادگیری مادام‌العمر همسو است، زیرا دانش‌آموزان را ترغیب می‌کند مهارت‌هایی مانند خودارزیابی، برنامه‌ریزی و مدیریت یادگیری را فرا بگیرند. این مهارت‌ها پایه‌ای برای یادگیری مستقل و توانمند در دوره‌های بعدی تحصیلی و زندگی فراهم می‌آورند. رویکرد تلفیقی یادگیری مشارکتی و فعال، تلاش دارد جنبه‌های نظری، شناختی، اجتماعی و عملی یادگیری را با هم ترکیب کند و محیطی فراهم آورد که دانش‌آموزان بتوانند در آن هم دانش کسب کنند و هم مهارت‌ها و نگرش‌های لازم برای زندگی و تحصیل موفق را توسعه دهند. این فصل سعی دارد مبانی نظری و علمی این رویکرد را معرفی کند، مفاهیم کلیدی را تشریح نماید و زمینه‌ای برای فصل‌های بعدی فراهم آورد که به روش‌ها، طراحی فعالیت‌ها و مدیریت کلاس فعال اختصاص خواهند داشت. درک این بنیادها برای معلمان و مربیان ابتدایی حیاتی است، زیرا پایه‌ای برای طراحی فعالیت‌های مؤثر و ارتقای یادگیری دانش‌آموزان فراهم می‌آورد. معلمان با شناخت نظریه‌های مربوط، می‌توانند کلاس‌هایی ایجاد کنند که در آن دانش‌آموزان در تعامل، همکاری و فعالیت‌های عملی، مهارت‌ها و مفاهیم را به شکل پایدار و عمیق بیاموزند.

یکی از جنبه‌های مهم یادگیری مشارکتی و فعال، توجه به تعاملات اجتماعی در کلاس درس است. تعامل میان دانش‌آموزان باعث می‌شود که آن‌ها نه تنها اطلاعات را منتقل کنند، بلکه یادگیری یکدیگر را نیز تقویت نمایند. در این فرآیند، هر دانش‌آموز به عنوان

یک منبع یادگیری عمل می‌کند و مسئولیت یادگیری گروهی بر عهده همه اعضا تقسیم می‌شود. این نوع یادگیری موجب می‌شود دانش‌آموزان مهارت‌های ارتباطی، مهارت گوش دادن، بیان نظر و احترام به دیدگاه‌های دیگران را بیاموزند. از سوی دیگر، نظریه یادگیری تجربی جان دیویی نیز بر اهمیت تجربه مستقیم در یادگیری تأکید دارد. دیویی معتقد است که یادگیری واقعی زمانی رخ می‌دهد که دانش‌آموزان در فعالیت‌هایی مشارکت داشته باشند که برای آن‌ها معنادار باشد و با تجربه‌های روزمره آنان مرتبط باشد. بنابراین، طراحی فعالیت‌های عملی و پروژه‌های مشارکتی باید با زندگی واقعی کودکان و علایق آن‌ها هماهنگ باشد تا اثرگذاری بیشتری داشته باشد. یادگیری مشارکتی و فعال همچنین بر یادگیری انعکاسی تأکید دارد. دانش‌آموزان در پایان هر فعالیت فرصتی برای بازنگری و تحلیل عملکرد خود و گروه خود پیدا می‌کنند و این فرآیند باعث تقویت مهارت‌های تفکر انتقادی و خودارزیابی می‌شود. بازخورد از سوی معلم و همسالان نقش کلیدی در این فرآیند دارد، زیرا باعث می‌شود دانش‌آموزان نقاط قوت و ضعف خود را شناسایی کرده و برای بهبود تلاش کنند.

در یادگیری مشارکتی، ساختار گروه‌ها اهمیت زیادی دارد. گروه‌ها می‌توانند به شکل همسال، ترکیبی از سطوح توانایی مختلف، یا حتی با ترکیب مهارت‌های خاص طراحی شوند. انتخاب ساختار مناسب بستگی به هدف یادگیری، سطح دانش و مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان دارد. مطالعات نشان داده است که گروه‌های متنوع باعث ایجاد فرصت‌های بیشتر برای تبادل دانش، افزایش خلاقیت و توسعه مهارت‌های اجتماعی می‌شوند. علاوه بر این، توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان در یادگیری فعال ضروری است. برخی دانش‌آموزان ممکن است در تعاملات اجتماعی فعال‌تر باشند و برخی دیگر نیاز به حمایت بیشتر برای مشارکت دارند. معلم به عنوان تسهیل‌گر باید فرصت‌های برابر برای مشارکت همه دانش‌آموزان فراهم آورد و از روش‌هایی مانند تقسیم نقش‌ها و فعالیت‌های متنوع برای انگیزش همه اعضای گروه استفاده کند.

یکی دیگر از اصول بنیادین یادگیری مشارکتی و فعال، ترکیب یادگیری شناختی و اجتماعی است. این بدان معناست که دانش‌آموزان نه تنها مفاهیم را از نظر شناختی درک می‌کنند، بلکه از طریق تعاملات اجتماعی، مهارت‌های همکاری و حل مسئله را نیز فرا می‌گیرند. این ترکیب باعث می‌شود یادگیری عمیق‌تر و پایدارتر باشد و مهارت‌هایی که در مدرسه آموخته شده‌اند، در زندگی واقعی نیز قابل استفاده باشند. استفاده از بازی‌ها و فعالیت‌های تعاملی در یادگیری مشارکتی نقش مهمی دارد. بازی‌های آموزشی می‌توانند مهارت‌های گروهی، تفکر خلاق، حل مسئله و تصمیم‌گیری را تقویت کنند. همچنین این فعالیت‌ها باعث ایجاد انگیزه، افزایش تمرکز و کاهش اضطراب در دانش‌آموزان می‌شوند. بازی‌ها و فعالیت‌های تعاملی می‌توانند به شکل رقابتی، همکاری، یا ترکیبی از هر دو طراحی شوند تا تعامل و یادگیری به حداکثر برسد. فناوری‌های نوین نیز فرصت‌های بسیاری برای یادگیری فعال فراهم می‌آورند. استفاده از ابزارهای دیجیتال، نرم‌افزارهای آموزشی و منابع آنلاین می‌تواند یادگیری را جذاب‌تر و تعاملی‌تر کند و امکان ارائه بازخورد فوری و ارزیابی مستمر را فراهم آورد.

این ابزارها به معلمان کمک می‌کنند تا فعالیت‌های یادگیری را شخصی‌سازی کنند و بر اساس نیازهای هر دانش‌آموز، راهکارهای آموزشی مناسب ارائه دهند. علاوه بر مهارت‌های شناختی، یادگیری مشارکتی و فعال بر توسعه مهارت‌های هیجانی و اجتماعی نیز تأکید دارد. دانش‌آموزان در گروه‌ها یاد می‌گیرند چگونه احساسات خود را مدیریت کنند، تعارض‌ها را حل نمایند، و همدلی و همکاری را تمرین کنند. این مهارت‌ها نه تنها برای موفقیت تحصیلی، بلکه برای رشد شخصیتی و اجتماعی کودکان ضروری هستند. در این رویکرد، ارزیابی نیز متفاوت از روش‌های سنتی است. ارزیابی مستمر و انعطاف‌پذیر، شامل بازخورد گروهی و فردی، خودارزیابی و ارزیابی همسالان، باعث می‌شود دانش‌آموزان به صورت فعال در فرایند یادگیری حضور داشته باشند و مسئولیت یادگیری خود و گروه را بر عهده بگیرند. ترکیب نظریه‌ها، اصول روان‌شناختی و روش‌های عملی در یادگیری مشارکتی و فعال، چارچوبی جامع برای آموزش مؤثر ارائه می‌دهد. معلمان با بهره‌گیری از این رویکرد می‌توانند کلاس‌هایی پویا و مشارکتی ایجاد کنند که در آن دانش‌آموزان به

شکل فعال، خلاق و مستقل مفاهیم را یاد می‌گیرند و مهارت‌های لازم برای زندگی و تحصیل موفق را توسعه می‌دهند. یوسفی، م. (۱۳۹۹).

این فصل نشان می‌دهد که یادگیری مشارکتی و فعال نه تنها یک روش تدریس، بلکه یک فلسفه آموزشی است که تمام جنبه‌های شناختی، اجتماعی و هیجانی یادگیری را در بر می‌گیرد. با درک عمیق این بنیادهای نظری، معلمان قادر خواهند بود فعالیت‌هایی طراحی کنند که یادگیری دانش‌آموزان را به حداکثر برساند، محیطی امن و حمایتی فراهم آورد و مهارت‌های اجتماعی، هیجانی و شناختی آنان را به شکلی متوازن توسعه دهد. این امر به ویژه در آموزش ابتدایی اهمیت دارد، زیرا پایه‌های یادگیری و مهارت‌های زندگی در این دوره شکل می‌گیرد و تجربه‌های مثبت و مشارکتی می‌توانند اثرات بلندمدتی بر رشد تحصیلی و شخصیتی کودکان داشته باشند. محمودی، ف. (۱۳۹۹).

تعریف یادگیری فعال و مشارکتی

یادگیری فعال به فرایندی اطلاق می‌شود که در آن دانش‌آموزان به جای دریافت منفعلانه اطلاعات، به طور فعال در فعالیت‌های یادگیری مشارکت می‌کنند. این فعالیت‌ها می‌تواند شامل پرسشگری، بحث گروهی، حل مسئله، انجام آزمایش، تحلیل پروژه‌های عملی و بازتاب روی عملکرد خود باشد. یادگیری فعال بر تعامل مستقیم دانش‌آموز با محتوا، معلم و همسالان تأکید دارد و هدف آن ارتقای یادگیری عمیق، تفکر انتقادی، خلاقیت و توانایی کاربرد دانش در موقعیت‌های واقعی است. در این رویکرد، دانش‌آموز نه تنها اطلاعات را می‌آموزد، بلکه آن را تحلیل، ترکیب و به شکل عملی به کار می‌گیرد و به این ترتیب یادگیری پایدار و معنی‌دار ایجاد می‌شود. یادگیری مشارکتی زیرشاخه‌ای از یادگیری فعال است که بر تعامل دانش‌آموزان با یکدیگر برای دستیابی به اهداف مشترک تمرکز دارد. در یادگیری مشارکتی، دانش‌آموزان در گروه‌های کوچک یا بزرگ کار می‌کنند، دانش و تجربه خود را به اشتراک می‌گذارند، وظایف را تقسیم می‌کنند و در حل مسئله و تولید محصول مشترک مشارکت دارند. این رویکرد به دانش‌آموزان کمک می‌کند مهارت‌های اجتماعی، همکاری، مدیریت تعارض، تفکر انتقادی و مسئولیت‌پذیری را توسعه دهند. یادگیری

مشارکتی بر اساس اصول نظریه‌های اجتماعی-شناختی، به ویژه نظریه ویگوتسکی، شکل گرفته است و بر این اساس تعامل و تبادل دانش میان همسالان باعث توسعه مهارت‌های شناختی و اجتماعی می‌شود. یادگیری فعال تمرکز بر مشارکت فعال فرد در فرآیند یادگیری دارد، در حالی که یادگیری مشارکتی این فعالیت را به سطح گروهی و اجتماعی می‌برد، به طوری که دانش‌آموزان با همکاری یکدیگر، تجربه یادگیری عمیق‌تر و مهارت‌های اجتماعی مؤثرتری کسب می‌کنند. هر دو رویکرد مکمل یکدیگرند و در آموزش ابتدایی، ایجاد کلاس‌های فعال و مشارکتی موجب بهبود یادگیری مفهومی و توانمندسازی دانش‌آموزان در مهارت‌های زندگی می‌شود. جعفری، س. (۱۳۹۹).

یادگیری فعال و مشارکتی، فراتر از یک روش تدریس صرف است و در واقع یک فلسفه آموزشی است که کودکان را در مرکز فرایند یادگیری قرار می‌دهد. در این رویکرد، دانش‌آموزان به جای شنیدن مداوم توضیحات معلم، با کنش و تجربه مستقیم، مفاهیم را کشف می‌کنند. برای نمونه، در یادگیری علوم، به جای اینکه معلم تنها قوانین و مفاهیم علمی را توضیح دهد، دانش‌آموزان در آزمایشگاه یا کلاس عملی مواد را مخلوط می‌کنند، مشاهده می‌کنند و نتیجه را تحلیل می‌کنند. این تجربه فعال باعث می‌شود دانش‌آموزان علاوه بر یادگیری نظری، توانایی استدلال علمی، پیش‌بینی نتایج و حل مسئله را هم توسعه دهند.

در یادگیری مشارکتی، دانش‌آموزان در گروه‌های کوچک قرار می‌گیرند و برای رسیدن به هدفی مشترک با یکدیگر همکاری می‌کنند. هر دانش‌آموز نقش ویژه‌ای دارد، مثلاً جمع‌آوری اطلاعات، ارائه ایده‌ها، ثبت نتایج یا مدیریت زمان گروه. این تقسیم نقش‌ها باعث می‌شود همه دانش‌آموزان در فرایند یادگیری دخیل شوند و حس مسئولیت و مشارکت افزایش یابد. به عنوان مثال، در یک پروژه کلاس ریاضی، گروه‌ها می‌توانند مسئله‌ای واقعی، مثل برنامه‌ریزی بودجه یک نمایشگاه مدرسه را حل کنند. هر دانش‌آموز قسمتی از محاسبات را انجام می‌دهد، پیشنهادهایی ارائه می‌دهد و در نهایت گروه نتیجه را جمع‌بندی و ارائه می‌کند.

یکی از ویژگی‌های کلیدی یادگیری فعال و مشارکتی، بازخورد مستمر است. دانش‌آموزان در طول فعالیت‌ها بازخورد همسالان و معلم را دریافت می‌کنند و یاد می‌گیرند که عملکرد خود را اصلاح کنند. این فرآیند باعث تقویت مهارت‌های خودارزیابی، تفکر انتقادی و مهارت حل مسئله می‌شود. برای مثال، پس از ارائه یک پروژه علمی، اعضای گروه یکدیگر را نقد سازنده می‌کنند و پیشنهادهایی برای بهبود ارائه می‌دهند، سپس معلم بازخورد تخصصی ارائه می‌دهد.

یادگیری مشارکتی و فعال همچنین مهارت‌های اجتماعی و هیجانی دانش‌آموزان را تقویت می‌کند. دانش‌آموزان می‌آموزند چگونه با همکاران خود تعامل کنند، تعارض‌ها را مدیریت نمایند، گوش دهند و نظرات دیگران را ارزیابی کنند. این مهارت‌ها نه تنها برای موفقیت تحصیلی بلکه برای رشد شخصیتی و اجتماعی کودکان ضروری است. به عنوان مثال، در یک فعالیت گروهی ادبی، دانش‌آموزان داستانی می‌سازند و هر فرد بخشی از داستان را می‌نویسد، سپس گروه داستان نهایی را ارائه می‌دهد و با بازخورد همدیگر، مهارت‌های همکاری و همدلی تقویت می‌شود.

یکی دیگر از مزایای این رویکرد، تقویت انگیزه و علاقه به یادگیری است. مشارکت فعال در کلاس باعث می‌شود دانش‌آموزان حس مالکیت نسبت به یادگیری خود پیدا کنند و علاقه‌مندی بیشتری برای ادامه فعالیت‌ها نشان دهند. همچنین فعالیت‌های متنوع و تعاملی، از جمله بازی‌های آموزشی، کارهای عملی و پروژه‌های گروهی، کلاس را جذاب‌تر می‌کنند و مشارکت دانش‌آموزان را افزایش می‌دهند. برای مثال، استفاده از بازی‌های ریاضی تعاملی یا ساخت ماکت‌های علمی باعث می‌شود دانش‌آموزان با اشتیاق بیشتری در فعالیت‌ها شرکت کنند و مفاهیم را بهتر درک کنند.

یادگیری فعال و مشارکتی موجب توسعه مهارت‌های تفکر انتقادی، خلاقیت، خودکنترلی و مهارت‌های زندگی می‌شود. دانش‌آموزان یاد می‌گیرند چگونه اطلاعات را تحلیل کنند، راه‌حل‌های خلاقانه ارائه دهند و تصمیمات گروهی بگیرند. این مهارت‌ها پایه‌ای برای یادگیری مادام‌العمر و موفقیت در دوره‌های بالاتر تحصیلی و زندگی شخصی هستند.

رویکرد تلفیقی یادگیری فعال و مشارکتی، معلم را قادر می‌سازد تا محیطی فراهم کند که در آن دانش‌آموزان همزمان به یادگیری مفهومی و توسعه مهارت‌های اجتماعی و هیجانی دست یابند و تجربه‌ای معنادار و پایدار از یادگیری داشته باشند.

مبانی روان‌شناختی یادگیری مشارکتی (ویگوتسکی، پیازه و گاردنر)

یادگیری مشارکتی در کلاس‌های ابتدایی بر پایه مبانی روان‌شناختی متعددی شکل گرفته است که نظریه‌های ویگوتسکی، پیازه و گاردنر از مهم‌ترین آن‌ها محسوب می‌شوند. این مبانی نه تنها به درک فرآیند یادگیری کودکان کمک می‌کنند، بلکه چارچوبی برای طراحی فعالیت‌های مشارکتی و فعال فراهم می‌آورند. ویگوتسکی، روان‌شناس روسی، با ارائه نظریه یادگیری اجتماعی و مفهوم «زون توسعه نزدیک» نشان داد که یادگیری در تعامل با دیگران شکل می‌گیرد. زون توسعه نزدیک به فاصله میان سطح فعلی توانایی کودک و سطح توانایی بالقوه او اشاره دارد که با حمایت همسالان یا بزرگ‌ترها قابل دستیابی است. به عبارت دیگر، کودکان می‌توانند مفاهیم و مهارت‌هایی را یاد بگیرند که به تنهایی قادر به کسب آن‌ها نیستند، اما در تعامل و مشارکت با دیگران، به توسعه شناختی و مهارت‌های جدید دست می‌یابند. در یادگیری مشارکتی، معلم نقش تسهیل‌گر و راهنمای یادگیری را ایفا می‌کند و شرایط لازم برای همکاری و تعامل دانش‌آموزان را فراهم می‌آورد. به کمک فعالیت‌های گروهی و تبادل نظر، کودکان می‌آموزند چگونه با یکدیگر همکاری کنند، ایده‌ها را تحلیل کنند و راه‌حل‌های مشترک ارائه دهند. این تعامل‌ها، علاوه بر توسعه مهارت‌های اجتماعی، موجب تقویت توانایی‌های شناختی نیز می‌شوند، زیرا دانش‌آموزان مجبور می‌شوند ایده‌های خود را توضیح دهند، استدلال کنند و بازخورد دیگران را تحلیل نمایند. بختیاری، س. (۱۴۰۰).

نظریه پیازه نیز نقش مهمی در پایه‌ریزی یادگیری مشارکتی دارد. پیازه معتقد بود که کودکان در فرآیند رشد شناختی از طریق تجربه مستقیم با محیط، مفاهیم را می‌آموزند و ساختارهای شناختی خود را توسعه می‌دهند. یادگیری مشارکتی و فعال زمینه‌ای فراهم می‌کند که کودکان بتوانند با انجام فعالیت‌های عملی، آزمایش‌ها و پروژه‌های گروهی،